



افزایش شمار قربانیان حمله و حوش سعودی به مجلس ختمی در صنعا به ۴۵۰ شهید و ۵۰۰ مجروح

کربلای یمن

انصارالله: انتقام می‌گیریم

صفحه ۱۵

تیتراژ امروز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر حشمت‌الله کنبری درباره اهانت جدید جریان سازش

عمر سعد ورژن ۱۴۳۸

از مکه تا کربلا امام حسین (ع) هیچ کلمه یا خطبه‌ای درباره ملاقات با یزید نگفت

صفحه ۲

چرا روحانی نسبت به جنایت اخیر آل سعود در به شهادت رساندن ۴۵۰ یمنی سکوت کرده است؟

ندیدن کربلای یمن!

وزیر دفاع: هر دولتی سکوت کند شریک جنایات آل سعود است

پیام لاریجانی

به رئیس مجلس نمایندگان جمهوری یمن

صفحه ۲

توجه به مسائل روز

در نوحه‌های مراسم «یوم‌العباس» زنجان

یاتماز حسینی پرچمی

تدارک بر نامه‌هایی با محوریت تجلیل از جایگاه مدافعان حرم در شهرهای گوناگون

صفحات ۱۲ و ۱۳

نوشته‌هایی در باب اشعار آیینی ۵/

امشب شهادتنامه عشاق امضای شود

صفحه ۱۳

یادداشت محرم

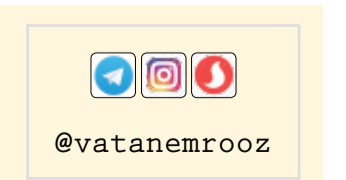
همین عاشورا...

حسین قدایی



قابیل هست و خون هابیل بر زمین مانده است و آدم اما نیست! توفان غم هست و بار بنی آدم بر زمین مانده است و نوح اما نیست! آتش بلا هست و زمزم نمی‌جوشد و ابراهیم اما نیست! لشکر دشمن در تعقیب است و پیش رو هم دریایی از خون و موسی اما نیست! کجایید حواریون روح‌الله؟! در این چند روز باقی‌مانده، من دنبال عصای محمد می‌گردم! و تیغ دودم ابوتراب! آری! تو را می‌خوانیم یا صاحب‌الزمان! که هنوز علم برپاست! و خیمه هنوز پابرجاست! هنوز مانده تا عاشورا! عبور از این دریا، اعجاز تو را می‌خواهد! و جز تو کیست مخاطب این ندا که «هل من ناصر ینصرنی»؟! «تا که نتوانند حاشایت کنند» بیا و رسماً معجزه کن! یا آن همه «مکن ای صبح طلوع» ما گله‌ای از سپیده عاشورا نداریم، اگر که سحرش همراه با ظهور تو باشد تا چند شام غریبان، عمه سادات و نماز شب نشسته؟! تا چند عصر عاشورا، وارث آدم و کمری اینچنین شکسته؟! یعنی هنوز آب، سهم طفل رباب نشده است؟! آقا جان! تاریخ را ورق بزن! یا معجزه! و «تغییر ده قضا را!» اصلش را بخواهی، تو از زمین نرفته‌ای، برای همین اعجاز! و باید هم روز آمدن تو عاشورا باشد! اما کاش همین عاشورا بیایی... همین عاشورا!

شماره بعدی روزنامه «وطن امروز» شنبه ۲۴ مهر ماه منتشر می‌شود



در شبکه‌های اجتماعی

مهندسی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان

هیاهو برای قدرت

غزارش امروز دکتر زهرا طباطبائی: چندی پیش در واپسین روزهای شهریور، بنا به حکم قانون، با پایان موعود قانونی دوره ریاست بر شورای فرهنگی - اجتماعی زنان در شورایی انقلاب فرهنگی، انتخابات برای تعیین جایگزین بانوی انقلابی «کبری خزعلی» برگزار شد. به پیشنهاد اعضا خانم‌ها «زهرا آیت‌اللهی» و «زهرا راستی» به عنوان کاندیداهای ریاست جدید شورا معرفی شدند که با درخواست معاون رئیس‌جمهور در امور زنان خانم «شرف‌بروردی» نیز به عنوان کاندیدای دیگر معرفی شد. این در حالی است که نتیجه استعلامات بروجردی در ۲ دوره اخیر انتخابات مجلس شورای اسلامی «منفی» اعلام شده بود و از انتشار حکم رئیس‌جمهور برای اضافه شدن وی به ترکیب شورا تنها ۵ روز می‌گذشت. با این وجود در برابر پرسش حضار پیرامون انتظار برای «تایید صلاحیت» بروجردی، به اعلام این جمله بسنده می‌شود که «نتیجه استعلام خود من هم منفی بوده است(۱)» آرا جمع آوری می‌شود و نامزد مورد علاقه معاونت امور زنان، در مجموع تنها «۲ رای» کسب می‌کند و آیت‌اللهی با ۱۴ رای رئیس جدید شورای زنان می‌شود اما شهیندخت مولاردی شکست طراحی سیاسی خود را نپذیرفته و پس از جوسازی رسانه‌ای پیرامون بروز «تقلب» در انتخابات(۲) نتیجه را مخدوش می‌خواند! ناپاورانه‌تر اینکه شخص رئیس‌جمهور حسن روحانی نیز در ادامه پروسه مهندسی شورایی انقلاب فرهنگی توسط دوستان و اقوام هم‌حزبی، این انتخابات را اصطلاحاً «توتو» می‌کند! اما چرا «شورای زنان» تا این اندازه برای دولتی‌ها مهم شده است؟

از نزار ذکا تا سازمان ملل

بخشی از جریان متوجه نارضایتی شهیندخت مولاردی از عملکرد رئیس و اعضای شورا در طول ۳ سال گذشته است. شورا نقش مهم و غیرقابل چشم‌پوشی در آشکار شدن پرونده‌های مشکوک و تحرکات مولاردی در طول چند سال اخیر داشته و دایره ابتکار عمل وی را در عمل به نسخه‌های کمیسیون نیویورکی مقام زن، به واسطه نظارت دقیق و هوشمندانه، محدود کرده است. در همه پروژه‌های مهم حوزه زنان، از تبیین پرونده ضدملی میزبانی مولاردی از «نزار ذکا»، جاسوس آمریکایی - لبنانی به دام افتاده در حاشیه کنفرانس «توانمندسازی زنان» به میزبانی معاونت امور زنان گرفته تا افشای مفاد تفاهمنامه تمهدآور و محرمانه وی با صندوق جمعیت سازمان ملل با مفاد ضداطلاعاتی، شورا نقش مهمی ایفا کرده و

مدلی از سیاست خارجی، شامل بدبهستان پس پرده، مذاکرات محرمانه و لابی‌های وسیع سیاسی - اطلاعاتی - اقتصادی که منجر به برجام شد، مجدداً فعال شده تا این بار، پیروزی آقای روحانی در انتخابات ۹۶ را تضمین کند. دولت یازدهم آشکارا فاقد کارنامه است. آخرین داده‌های تجربی ناشی از پیمایش افکار عمومی در ابعاد ملی، نشان‌دهنده آن است که مردم اساساً جز برجام گزینه دیگری را که بتواند در نامه اعمال این دولت نوشت به یاد نمی‌آورند و درباره این یگانه تحفه دولت هم، بیش از ۶۰ درصد معتقدند به نتیجه‌ای که با زندگی آنها مرتبط باشد نرسیده و نخواهد هم رسید. یک یافته جالب در نظرسنجی‌های اخیر این است که با افزایش سطح سواد و تحصیلات پرسش‌شوندگان، امید به نتیجه دادن برجام کمتر می‌شود. این در حالی است که قریب به ۹۰ درصد مردم به نحو جایگزین‌ناپذیری عقیده دارند بیکاری مشکل اصلی کشور است و دولت آقای روحانی نه برنامه، بلکه حتی ایده‌ای نیز برای کاهش یا حل آن ندارد. از آن سو، اینکه این دولت کارنامه‌ای ندارد مانع از آن نیست که غربی‌ها بشدت در پی کارسازی برای تکرار آن نباشند، بلکه برعکس همین باعث شده به نحو بی‌سابقه‌ای فعال شوند. در واقع، از دید آنها که به موضوع بنگریم، اینکه دولت روحانی جز برجام کاری نکرده اتفاقاً علامت خوبی است چرا که نشان می‌دهد دولت همه انرژی خود را صرف کاری کرده که آنها می‌خواهند، بنابراین قوت و توانی برای رسیدن به مشکلات دیگر - از جمله مسائل احتمالی پیش از افتاده‌های نظیر بیکاری(۱) - نداشته است. پروژه «از آب درآوردن روحانی» برای انتخابات ۹۶ اکنون مهم‌ترین دستور کار کسانی است که «جان برنان» مدیر سیا یک ماه قبل گفت «درک کرده‌اند او برای پیروزی در انتخابات بشدت نیازمند یک دست‌آورد ملموس است». خبر خوبی بود اگر برای خدمت به آقای روحانی هم که شده غربی‌ها تصمیم می‌گرفتند کمی به وعده‌های خود عمل و یک «گشایش واقعی» برای مردم ایران ایجاد کنند ولی شواهد به ما می‌گوید آنچه قرار است بکنند ربطی به رونق و گشایش ندارد و همه داستان بر سر این است که:

اولاً - چگونه روحانی پیروز انتخابات شود؛ بی‌آنکه

بازی از اول

مهدی محمدی

گشایشی ایجاد شده باشد؟ ثانیاً - صحنه چگونه آراسته شود که دولت جز آنچه در برجام داده در اضطرار ماه‌های آخر، امتیاز اضافی هم تقدیم کند؟ و ثالثاً - انتخابات در کدام دوقطبی برگزار شود که بتوان پس از اردیبهشت ۹۶، پروژه برجام‌ها «بیشتر و بزرگ‌تر» را در ایران کلید زد؟ زیگمار گابریل، وزیر اقتصاد آلمان یکی از کسانی است که می‌تواند بخشی از این داستان را برای ما روایت کند. او قبل از اینکه به ایران بیاید از هویت صهیونیستی خود پرده برداشت و پس از اینکه از ایران رفت - انطور که تلویزیون آلمانی اردیبهشت ۹۶ - به صراحت گفت هدفش از حضور در ایران «علامت حمایت آلمان از دولت آقای روحانی و جلوگیری از پیروزی رقیبان روحانی بر وی در انتخابات ۹۶» بوده است. گابریل آدم مهمی نیست ولی از پروژه مهمی سخن گفته است. همان دست‌هایی که برجام را خلق کرد، به روشی کم و بیش مشابه، دوباره به کار افتاده تا «بی‌آنکه چیزی گیر ملت ایران بیاید» انتخابات ۹۶ را مهندسی کند. کسانی که دنبال آدرس «مهندسی انتخابات» می‌گردند باید کلاهشان را کمی بالاتر بگذارند.

احتمالاً نمایش بزرگی در راه است که البته بعید می‌دانم چندان خیره‌کننده باشد. همانطور که جمعه وزیر آلمانی را در ذهن مرور می‌کنید این چند پدیده را کنار هم بگذارید: دولت آمریکا روز جمعه دستورالعمل جدیدی منتشر کرد که به شرکت‌های غیرآمریکایی اجازه می‌دهد با دلار کار کنند به شرط آنکه گذرشان به سیستم مالی آمریکا نیفتد. ظاهراً اتفاق مهمی است ولی اهل فن می‌دانند امکان تراکنش‌های دلاری بدون عبور از نظام مالی آمریکا بسیار دشوار بلکه غیرممکن است. شرکت بوئینگ اعلام کرده مجوز صادرات هواپیما به ایران را از وزارت خزانه‌داری آمریکا گرفته اما بلافاصله افزوده است امسال هواپیمایی به ایران نخواهد داد.

پيامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۲۱

عکس: AFP